
❖

یادداشت‌های عراق

❖

ماریو بارگاس یوسا

(برنده‌ی جایزه‌ی ادبیات نوبل در سال ۲۰۱۰)

عکس‌ها از:

مورگانا بارگاس یوسا

ترجمه‌ی

فریبا گورگین



انتشارات مروارید

فهرست

- گفتار مترجم..... ۵
بخش‌هایی از خطابه‌ی مهم ماریو بارگاس یوسا به هنگام دریافت
جایزه‌ی ادبیات نوبل در سال ۲۰۱۰..... ۷
مقدمه: انتخاب بد از بین بد و بدتر..... ۱۵

یادداشت‌های عراق:

- فصل ۱: آزادی وحشیانه!..... ۲۳
فصل ۲: مردم بغداد..... ۴۷
فصل ۳: مؤمنان..... ۵۵
فصل ۴: غارتگران و کتاب‌ها..... ۶۶
فصل ۵: لوبیاهای سفید..... ۷۷
فصل ۶: برعکس کلمه‌ی «اتللو»..... ۸۹
فصل ۷: کردها..... ۹۹
فصل ۸: وزیرمختار..... ۱۱۱

پیوست‌ها:

۱۳۵.....	فجایع جنگ.....
۱۴۱.....	وصله‌های ناجور.....
۱۴۹.....	دموکراسی روی ویرانه‌ها.....
۱۵۷.....	مرگ در حین انجام وظیفه.....
۱۶۴.....	سپاسگزاری‌ها:.....

گفتار مترجم

ماریو بارگاس یوسا، نویسنده‌ی بزرگ و نامدار پرویی تبار و برنده‌ی جایزه‌ی ادبیات نوبل، در دوران حمله‌ی آمریکا به عراق (سال ۲۰۰۳) که منجر به سقوط صدام حسین شد، سفری کوتاه‌مدت به عراق داشت و این کتاب، محصول آن سفر کوتاه‌مدت بارگاس یوسا به عراق است. در همان سال، من به دلیل داشتن علاقه‌ی شخصی به آثار یوسا و همچنین به درخواست اداره‌ی کل مطبوعات و رسانه‌های خارجی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مقالات چاپ‌شده‌ی یوسا در مطبوعات اسپانیایی‌زبان را به فارسی ترجمه کردم. چندی پیش اطلاع یافتم که یوسا مقالات مذکور را به صورت کتابی منتشر کرده است.

ترجمه‌ی کتاب نویسنده‌ی بزرگی چون یوسا، نیاز به جرأت و جسارت دارد، و بنده با توجه به سوابق و تجربیات سی ساله‌ی خود به‌عنوان مترجم در سازمان‌ها و نمایندگی‌های مختلف ایران در آمریکای لاتین و ایران، به خود اجازه‌ی ترجمه‌ی این کتاب را داده‌ام.

در پایان لازم می‌دانم مراتب قدردانی و سپاس خود را از افراد زیر که در ترجمه و انتشار این کتاب از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های آنان بهره‌مند

شدم، ابراز دارم:

پدر گرامی‌ام تیمور گورگین، نویسنده، شاعر، روزنامه‌نگار، ترانه‌سرا و پژوهشگر معاصر، به‌خاطر ویرایش کتاب حاضر، همسر گرانقدرم مجید مهدی حقیقی، مترجم رسمی زبان اسپانیایی و مدرس سابق دانشگاه‌های آزاد و علامه طباطبایی، پسر عزیزم آریا مهدی حقیقی، آقای منوچهر حسن‌زاده، مدیر و ناشر کوشای انتشارات مروارید و همکاران گرانقدرشان، آقای پولاد فرخزاد، ویراستار محترم وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به‌خاطر بازبینی کتاب حاضر، بانو ایراندخت صادق‌وند، مترجم و خبرنگار پرسابقه‌ی مطبوعات ایرانی و اسپانیایی‌زبان، آقای پابلوگان، معاون سفیر اسپانیا در تهران، و خانم آنخلس اسپینوسا، خبرنگار روزنامه‌ی ال پائیس در منطقه‌ی خاورمیانه.

فریا گورگین
مهر ۱۳۹۳، تهران
goorgin@yahoo.com.mx

بخش‌هایی از خطابه‌ی مهم ماریو بارگاس یوسا به هنگام دریافت جایزه‌ی ادبیات نوبل در سال ۲۰۱۰

ماریو بارگاس یوسا، ساعت ۵/۳۰ عصر سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۹ (هفتم دسامبر ۲۰۱۰)، جایزه‌ی ادبیات نوبل را دریافت کرد. او در سخنرانی به‌یادماندنی خود در مراسم اهدای این جایزه، که در رسانه‌های جهان، از جمله ایران، بازتاب داشت، از کودکی و بالندگی‌اش در زادگاهش پرو، ادبیات، سیاست و موضوعات پراهمیت دیگر سخن گفت. در ادامه، بخش‌هایی از این سخنرانی در اختیار خوانندگان گرامی قرار می‌گیرد:

در پنج سالگی، خواندن را در مدرسه‌ی لا سایته در کوچابامبا^۱، بولیوی، در کلاس برادر خوستینیانو، آموختم.

این مهم‌ترین چیزی است که در زندگی برایم رخ داده است. اکنون، که نزدیک هفتاد سال از آن زمان سپری شده است، به روشنی به یاد می‌آورم که چگونه آن جادوی تبدیل شدن کلمات کتاب‌ها به تصاویر، به زندگی ام غنا بخشید، چطور سدهای زمان و مکان را در هم شکست و به من اجازه داد تا با کاپیتان نمو، در بیست هزار فرسنگ زیر دریا سفر کنم. یا همراه دارتانیان، آتوس، پورتوس و آرامیس، با توطئه‌هایی که جان ملکه را در دوران ریشلیوی مرموز تهدید می‌کردند، به مبارزه برخیزم. یا در اعماق پاریس (درحالی که به ژان والژان تبدیل شده‌ام) بدن نیمه‌جان ماریوس را روی دوشم بکشم.

مطالعه، رؤیا را به زندگی و زندگی را به رؤیا بدل می‌کرد و دنیای ادبیات را در دسترس مرد کوچکی که من بودم، قرار می‌داد. مادرم برایم تعریف می‌کرد که نخستین چیزهایی که نوشتم، ادامه‌ی داستان‌هایی بود

1. Cochabamba